

نقش انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری و استمرار شورای همکاری خلیج [فارس]

تاریخ دریافت: ۸۱/۹/۴

تاریخ تأیید: ۸۱/۱۱/۲۰

نقی طبری*

اعلام موجودیت شورای همکاری خلیج فارس در فوریه ۱۹۸۱ حاصل و برآیند طبیعی تلاش‌های شش کشور عربستان سعودی، بحرین، کویت، امارات عربی متحده، قطر و عمان برای حفظ امنیت دسته جمعی نبود، بلکه معلول تحولات شگرف اواخر دهه ۱۹۷۰ و به ویژه انقلاب اسلامی ایران - که دیدگاه تجدید نظر طلبانه داشت - است. مقاله حاضر با دست مایه قرار دادن تأثیر فرضیه‌های موجود در تشکیل و استمرار این شورا، نگاهی اجمالی به کارنامه و کارکرد شورای همکاری در طول جنگ تحمیلی و حمایت سیاسی آن از ادعای امارات در مورد جزایر سه گانه ایرانی دارد. بدیهی است، تلاش در جهت رفع سوء تفاهات موجود و تصحیح عمل کرد ناصواب شورای همکاری توسط اعضای آن می‌تواند به تقویت اعتماد متقابل و توسعه روابط منطقه‌ای ایران با شورای همکاری و مآلاً کم رنگ شدن حضور نیروهای بیگانه در خلیج فارس کمک می‌کند.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، شورای همکاری خلیج [فارس]، جنگ ایران و عراق، جزایر سه گانه.

مقدمه:

در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی اوضاع پر تلاطم ناشی از انقلاب اسلامی ایران موجب به هم خوردن

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع).

«وضع موجود» در منطقه خلیج فارس گردید و این امر پیش از همه سبب نگرانی کشورهای منطقه از لحاظ امنیتی شد. در این میان کشورهای عربستان سعودی، امارات عربی متحده، بحرین، کویت، عمان و قطر، با عنایت به ساختار داخلی متمایز از عراق، ایران و یمن، دارای مشترکات فراوانی هستند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ساختار حکومت‌های قبیله‌ای و موروثی سلطنتی، درآمدهای سرشار حاصل از نفت و انرژی، دوستی و نزدیکی به دولت‌های غربی به ویژه آمریکا، وابستگی به حمایت اتکایی قدرت‌های ذی‌نفع و ذی‌مدخل خارجی در طول حیات سیاسی اخیر خود، عدم توانایی کافی فردی برای حفظ حاکمیت و موجودیت خویش و ایدئولوژی محافظه‌کارانه سیاسی و تأکید بر حفظ وضع موجود. این کشورها به رغم این اشتراکات، بعضاً دارای اختلافات قومی و قبیله‌ای بوده و حتی کشور امارات - که متشکل از هفت امارت دارای استقلال نسبی است - در داخل با تضادهای عمیق قومی مواجه می‌باشد؛ برای نمونه می‌توان به تحریکات شیخ رأس الخیمه علیه آل قاسمی در شارجه پس از امضای یادداشت تفاهم ۱۹۷۱ با ایران در ابتدای تأسیس دولت امارات و کودتای نافرجام یکی از امارت‌ها علیه شیخ سلطان حاکم شارجه در ژوئن ۱۹۸۶، اشاره کرد.

از سوی دیگر، میان این شش کشور اختلافات ارضی و مرزی و ایدئولوژیکی وجود دارد که برخی از این منازعات سابقه‌ای طولانی دارد: اختلافات ارضی میان عربستان با کشورهای کویت بر روی فلات قاره و منطقه بی‌طرف، با امارات بر سر منطقه نفت‌خیز شبیه و خورالعیدید، با قطر بر روی منطقه الخفوس؛ همچنین بین قطر و بحرین درباره جزایر زبارة و فشت الدیبل و حوار - که پس از رأی اخیر دادگاه بین المللی دادگستری نزاع عملاً به نفع بحرین خاتمه یافت - و اختلافات بین امارات و عمان در مناطق العین و امارت‌های شمالی. نیز عربستان و عمان در دیدگاه‌های داخلی و خارجی خود همواره اختلاف نظر ایدئولوژیکی داشته‌اند و معمولاً دولتمردان سعودی متأثر از وهابیت و مقامات عمانی دارای گرایش‌های اباضیه هستند. علاوه بر آن، با تأسیس شبکه تلویزیونی الجزیره قطر و پخش اخبار و تحولات درونی کشورهای مختلف از جمله همسایگان عضو شورای همکاری، دامنه اختلافاتشان تشدید شده است. در این میان، ارتباط نزدیک اسرائیل با برخی کشورهای عضو این شورا، واگرایی بیشتری را بین اعضای این شورا پدید آورده است.

تا قبل از انقلاب اسلامی، تلاش‌های کم‌رنگ و بی‌حاصلی در جهت اتحاد میان این کشورها صورت گرفت ولیکن ثمری نداشت؛ بنابراین پیدایش شورای همکاری نه حاصل و برآیند طبیعی تلاش‌های دسته‌جمعی کشورهای عضو جهت حفظ امنیت است، که نتیجه تحولات شگرف اواخر دهه ۱۹۷۰ بوده است. در این مقطع پرتلهاب، این کشورها به طور موقت اختلافات ارضی، مرزی

وایدئولوژیکی خود را کنار گذاشته و به منظور اتخاذ مواضع مشترک در قبال تحولات مذکور به ویژه انقلاب اسلامی ایران در فوریه ۱۹۸۱/ اسفند ۱۳۵۹ موجودیت شورای همکاری خلیج فارس را اعلام کردند. مسأله‌ای که در این مقاله حائز اهمیت است، توضیح علت یا دلایل تشکیل شورای همکاری و نیز میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در میان عوامل تشکیل دهنده این شورا است.

عوامل شکل‌دهنده شورای همکاری

مطالعات تاریخی و تحقیقات پژوهشگران متغیرها و عوامل متعددی برای تبیین تشکیل و استمرار شورای همکاری معرفی کرده‌اند. در این جا به مهم‌ترین متغیرهای دخیل در تکوین این شورا می‌پردازیم:

۱. ظهور انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای آن

سرنوشت سلطنت پهلوی در ایران تاج و تخت پادشاهان و امیران منطقه به ویژه پادشاهی سعودی را بیش از پیش با خطر مواجه ساخت. سقوط شاه در ایران و عدم توانایی عربستان در پر کردن خلأ موجود ایجاب می‌کرد فرمول جدید متناسب با اوضاع پیش آمده اندیشیده شود. با برقراری جمهوری اسلامی در ایران چشم‌انداز سیاسی در خلیج فارس در هم ریخت، زیرا ایران پس از انقلاب از حفظ منافع غرب در منطقه طفره رفت و این امر باعث شد کشورهای جنوب خلیج فارس در برابر تهاجم خارجی و شورش داخلی ضربه‌پذیر گردند. همچنین پس از انقلاب اسلامی، یک موج خیزش اسلامی قوی در میان ملت‌های عرب خلیج فارس شکل گرفت. در نتیجه چنین روندی ضروری بود تا اوضاع دوباره مورد ارزیابی قرار گیرد و کشورهای جنوب خلیج فارس در یک سازمان گرد هم آیند تا از این طریق بتوانند زمینه‌های هماهنگی و همکاری در مسائل نظامی و امنیتی جهت تضمین استقرار خانواده‌های حاکم را فراهم کنند. در این میان، حمایت سیاسی و مالی اعضای شورای همکاری از عراق در طول جنگ تحمیلی و همچنین پشتیبانی این کشورها از ادعای امارات در مورد جزایر سه گانه ایرانی به عنوان عوامل مهم در استمرار حیات شورای همکاری مطرح است.

۲. اشغال نظامی افغانستان و بیم از نزدیکی بیشتر شوروی به منطقه خلیج فارس

دسترسی به آب‌های گرم خلیج فارس در طول تاریخ همواره مطمح نظر رهبران روسیه تزاری و روسیه شوروی بوده است. چنانچه پطر کبیر یکی از تزارهای مقتدر این کشور در ماده نهم وصیت‌نامه خود ضمن توصیه به آیندگان در خصوص خلیج فارس، آورده است: «بایستی در موقع ضعف ایران تا خلیج فارس پیش رفت». عمل به این وصیت‌نامه پس از دویست و اندی سال در رأس اهداف پذیرفته شده زمامداران این کشور و حتی پس از فروپاشی شوروی قرار گرفته است. در آخرین

روزهای سال ۱۹۷۹ و در غیاب شاه ایران، شوروی‌ها افغانستان را اشغال کردند. اشغال افغانستان یکی از مؤلفه‌های تشکیل دهنده شورای همکاری خلیج فارس است، به ویژه آن که پس از حادثه مذکور کشورهای حاشیه خلیج فارس اقدام به همکاری‌های امنیتی در برابر تهدیدات ناشی از این اشغال کردند. اشغال افغانستان و سقوط نظام شاهنشاهی در ایران که تقریباً همزمان در اواخر دهه هفتاد میلادی تحقق یافت، سبب گردید تا به طور جدی شرایط استراتژیک منطقه پراهمیت و حساس خاورمیانه به ضرر غرب به هم بخورد.

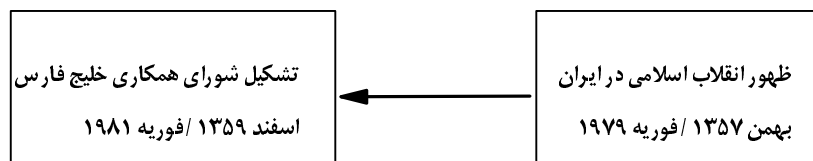
۳. جنگ ایران و عراق

این جنگ بر کل جهان عرب به ویژه بر صحنه سیاسی خلیج فارس تأثیر گذاشت. عراقی‌ها احساس می‌کردند می‌توانند به نیابت از اعراب برنده جنگ علیه ایران باشند. دلایل ذیل به این فکر کمک می‌کرد: ضعف شدن نیروهای نظامی ایران پس از سقوط شاه، تعدد مراجع تصمیم‌گیری در ایران، درگیر بودن ایران در جنگ‌های داخلی، حمایت معنوی و مادی کشورهای عرب حوزة خلیج فارس از عراق و بحرانی بودن روابط ایران و آمریکا به علت گروگان‌گیری. از سوی دیگر، آمریکایی‌ها از طریق رسانه‌های گروهی و بعضاً دیگر کشورهای غربی چنین وانمود می‌کردند که جنگ مذکور منافع حیاتی آمریکا و دوستان غربی‌اش را در منطقه به خطر انداخته و از این طریق حضور خود در خلیج فارس را توجیه می‌کردند. پس از شروع جنگ ایران و عراق، کشورهای حوزة خلیج فارس با هدف همکاری و هماهنگی‌های امنیتی، شورای همکاری را تشکیل داده و با تشکیل این شورا اعضای آن در جهت تقویت بنیه نظامی اقدام به امضای موافقت‌نامه امنیتی میان خود کردند. در این راستا کشورهای عربستان سعودی، کویت، بحرین، امارات عربی متحده، عمان و قطر کمک‌های مالی و تسلیحاتی وسیع در اختیار عراق گذاشتند که اعتراف یکی از نمایندگان پارلمان کویت - پس از عذرخواهی اخیر صدام حسین از مردم کویت (و نه دولت کویت) برای اشغال آن کشور - قابل توجه است:

مشاری العنجزی نایب رئیس مجلس کویت اخیراً گفته است دولت کویت در خلال جنگ عراق و ایران بیش از سیزده میلیارد دلار پول نقد در اختیار رژیم عراق قرار داد که در این میان سایر کشورهای شورای همکاری بعضاً بیشتر از این مبلغ و برخی حوالی همین مقدار به صدام حسین کمک مالی نموده‌اند.^۱

با عنایت به عوامل یاد شده، به نظر می‌رسد مؤلفه اصلی شکل دهنده شورای همکاری، ظهور انقلاب اسلامی است؛ از این رو هدف مقاله تبیین این مسأله است که ظهور انقلاب اسلامی در ایران و پیامدهای آن به ویژه حمایت آشکار سیاسی و مالی اعضای این شورا از عراق و همچنین پشتیبانی صریح و مکرر سران آن از ادعای ارضی امارات در مورد جزایر سه گانه ایرانی تنب کوچک، تنب بزرگ

و ابوموسی، بیشتر از سایر عوامل در فعل و انفعالات سیاسی و ادامه حیات شورای همکاری مؤثر بوده است.



شاخص های انقلاب اسلامی و میزان تأثیرگذاری آنها

الف) در مقابل آمریکا و غرب

۱. تبدیل رژیم حامی منافع غرب و آمریکا به یک رژیم ضد آمریکایی و غربی؛
۲. اخراج کارشناسان و مستشاران نظامی آمریکا از ایران؛
۳. جمع‌آوری پایگاه‌های جاسوسی آمریکا از ایران؛
۴. تصرف سفارت آمریکا در ایران؛
۵. تماس آمریکا با مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران و برخی اقدامات علیه آن؛
۶. تبدیل دوستی اسرائیل به دشمنی سرسخت این کشور؛
۷. تبدیل سفارت اسرائیل در تهران به سفارت فلسطین؛
۸. قطع روابط دیپلماتیک آمریکا و ایران؛
۹. برهم خوردن توازن استراتژیک در منطقه و فرو ریختن یکی از دو ستون همپیمان آمریکا.

ب) شاخص ها و ویژگی های انقلاب اسلامی در قبال کشورهای عربی منطقه خلیج فارس

۱. نگرش تجدیدنظرطلبانه به نظام‌های سیاسی حاکم بر منطقه؛
۲. سرنگونی سلطنت در ایران و با خطر مواجه شدن تاج و تخت‌های دیگر زمامداران منطقه؛
۳. بی‌تأثیر بودن نقش مردم در مشروعیت حکومت‌های منطقه و مکانیزم قبیله‌ای آن؛
۴. اسلامی بودن انقلاب ایران و اشتراکات دینی با مردم منطقه؛
۵. جاذبیت رهبری امام خمینی در میان مردم منطقه و حمایت گسترده مردمی از رهبری ایشان؛
۶. استفاده از اسلام به عنوان یک قدرت مهم و جایگزینی آن با ایدئولوژی‌های ملی و سوسیالیستی (پان عربیسم و سوسیالیسم) و اندیشه‌های ضد استعماری؛
۷. قابل انتقال بودن فرمول انقلاب اسلامی به برخی کشورهای منطقه؛

۸. تأثیرپذیری جوامع شیعه منطقه از انقلاب ایران در موارد مهمی چون: استقبال شیعیان از شعارها و الگوهای موجود در انقلاب ایران، پخش تصاویر امام خمینی در برخی مجامع شیعه به ویژه منطقه شرقی عربستان و بحرین، تبعیت شیعیان منطقه از ایرانیان به ویژه در ایام عاشورا و تاسوعا، راهپیمایی و تظاهرات غیر قانونی علیه حکومت‌ها در برخی کشورها - از جمله راهپیمایی شیعیان منطقه شرقی عربستان تا بحرین در ۱۹۸۰ به طوری که طول پل ۲۵ کیلومتری عربستان به بحرین مملو از شیعیان (در ایام عاشورا) شد و عربستان به ناچار با استفاده از نیروی نظامی و امنیتی آن را سرکوب کرد که موجب کشته شدن ۳۶ نفر گردید.

۹. طرح مسائل سیاسی در مراسم حج؛

۱۰. تقویت احکام و شریعت اسلامی و تظاهر رهبران عرب منطقه به اسلام؛

۱۱. رسیدگی به امور محرومان و مستضعفان به ویژه شیعیان و باز شدن پای این گروه در

نهادهای حکومتی؛

۱۲. گرایش مردم به دین، رونق مساجد، رواج بانک‌های اسلامی و افزایش علاقه جوانان به

رشته‌های دینی.

عملکرد شورای همکاری در قبال جمهوری اسلامی ایران

از ابتدای تأسیس شورای همکاری تاکنون ۲۳ اجلاس در سطح سران این شورا و ۸۴ اجلاس در سطح وزرای خارجه شورای همکاری برگزار شده که آخرین اجلاس سران در تاریخ ۲۱ و ۲۲ دسامبر ۲۰۰۲ (۳۰ آذر و اول دی ۱۳۸۱) به ریاست شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی امیر قطر در دوحه و هشتاد و چهارمین اجلاس وزرای خارجه این شورا در جدّه به ریاست یوسف بن علوی بن عبدالله وزیر مسؤول در امور خارجی عمان در ۲ و ۳ سپتامبر ۲۰۰۲ بوده است.

مجموعه عملکرد و مواضع سران و شورای وزیران خارجه این شورا در قبال ایران را می‌توان در سه مرحله و مقطع زمانی: جنگ تحمیلی، دوران پس از جنگ و قضیه جزایر سه گانه مورد بررسی قرار داد.

الف) عملکرد شورای همکاری در طول جنگ تحمیلی

همچنان که اشاره شد، پس از گذشت حدود هشت ماه از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران این شورا شکل گرفت. با عنایت به عواملی چون تأثیر انقلاب اسلامی بر مردم منطقه و حکومت‌های محافظه کار، بیم از سیطره ایران بر خلیج فارس، ناسیونالیسم حاکم بر کشورهای عربی و دفاع از عراق، می‌توان گفت که این کشورها در یک جنگ تمام عیار در کنار عراق قرار گرفتند.

اخبار تأیید شده حکایت از آن دارد که صدام حسین دو روز قبل از آغاز تجاوز عراق به خاک ایران، دولت‌های کویت، قطر، عربستان سعودی و بحرین را از تصمیم خود آگاه و آنها موافقت خود را با اعطای کمک مالی به بغداد رسماً به اطلاع صدام حسین رساندند. منابع سعودی نیز اذعان کرده‌اند که صدام حسین در دیدار اوایل اوت ۱۹۸۰ خود از عربستان طرح حمله به ایران را با مقامات ارشد سعودی در میان گذاشته بود.^۲

تخصیص میلیاردها دلار پول نقد، احداث خط لوله نفت عراق از طریق بندر ینبع عربستان، در اختیار قرار دادن بنادر و تأسیسات دیگر، کمک‌های تسلیحاتی و لجستیکی، دعوت از ناوگان‌های آمریکایی برای حمایت از عراق و حضور بیش از پیش نظامیان کشورهای غربی در خلیج فارس، از جمله حمایت‌های عملی کشورهای شورای همکاری از رژیم عراق بود.

علاوه بر این، حمایت اعضای شورای همکاری از عراق در بیانیه‌های سران شورا پس از بازسازی نیروهای مسلح ایران و ورود نیروهای آن به صحنه نبرد و فتح خرمشهر چهره علنی به خود گرفت. علایم و نشانه‌های مختلفی از حمایت سران شورا از عراق وجود دارد که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: در پایان اجلاس سوم سران در منامه (۹ تا ۱۱ نوامبر ۱۹۸۲) در ذیل عنوان «پشتیبانی از مساعی صلح‌جویانه عراق» اعلام داشتند:

شورای عالی با نگرانی فوق‌العاده تحولات جنگ ایران و عراق را مورد بحث قرار داد و با پی‌گیری این تحولات خطرناک که مبتنی بر عبور ایران از مرزهای بین‌المللی خود با عراق است آن را به منزله تهدیدی برای امنیت امت عرب قلمداد می‌کند. لذا شورا حمایت خود را از عراق برای پایان دادن جنگ از راه‌های مسالمت‌آمیز تأکید می‌نماید.

همچنین سران این شورا در اجلاس چهارم در دوحه (۷ تا ۹ نوامبر) ضمن حمایت از عراق، «از ایران درخواست می‌کند آزادی کشتیرانی در خلیج [فارس] و تنگه آن را مورد تعرض قرار ندهد». در این حال، شورای عالی (سران) شورای همکاری در بیانیه پایانی پنجمین اجلاس خود در کویت (۲۷ و ۲۸ نوامبر ۱۹۸۴) «از موضع مثبت جمهوری عراق در قبال قطعنامه‌های سازمان ملل و تلاش‌های سازمان کنفرانس اسلامی و کشورهای غیر متعهد ابراز خشنودی و رضایت کرد». مجموعه حمایت‌های سران این شورا در ششمین اجلاس منامه (۲ تا ۶ نوامبر ۱۹۸۵) مورد تأکید قرار گرفت و در اجلاس سران شورای همکاری در ابوظبی (۲ تا ۵ نوامبر ۱۹۸۶) «به خاطر همگامی و همراهی کشور برادر عراق از تلاش‌ها و مساعی آن تقدیر و پشتیبانی به عمل آورد». سران عضو این شورا در اجلاس هشتم خود در ریاض (۲۶ تا ۲۹ دسامبر ۱۹۸۷) نیز یادآور شدند:

شورای عالی از موضع مثبت عراق در موافقت این کشور با قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت

تقدیر به عمل آورد و با کمال تأسف از تلاش ایران برای طفره رفتن از این قطعنامه، آن را مورد ملاحظه قرار داد.

در ادامه این بیانیه آمده است:

شورای عالی رخدادهای مکه مکرمه* و فتنه و آشوبی را که ایرانیان در کنار بیت‌الله الحرام بر پا کردند و همچنین قرار دادن کویت در معرض حملات موشکی و تجاوزات ایران که امنیت و ثبات این کشور را مورد هدف قرار داده و همچنین تجاوز ایران به سفارتخانه‌های کویت و عربستان در تهران، هدف قرار دادن نفتکش‌ها و کشتی‌های بازرگانی در آب‌های خلیج فارس و بنادر کشورهای شورا را مورد بحث و بررسی قرار داد و آنها را به منزله نقض حقوق بین‌المللی و منشور ملل متحد می‌داند و از ایران می‌خواهد به اصول حسن همجواری و احترام متقابل - که ضامن بازگرداندن امنیت و ثبات منطقه است - پای‌بند باشد.

همچنان که اشاره شد، با توجه به مجموعه مواضع سیاسی علنی سران کشورهای عضو شورای همکاری، عملکرد دولت‌های این شورا مبتنی بر حمایت سیاسی و مالی از ماشین جنگی عراق بوده است و بالطبع این حمایت مسؤولیتی را به لحاظ حقوق بین‌المللی متوجه این کشورها می‌کند؛ از این رو انتظار منطقی آن است که پس از تأیید رسمی خاویر پرز دوکوئیاری، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، مبنی بر متجاوز بودن عراق، همه این کشورها به دلیل حمایت‌های سیاسی و مالی از صدام حسین و وارد آوردن خسارات انسانی و مالی فراوان به ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران رسماً از ملت و دولت ایران عذرخواهی کنند و به تبعات ناشی از این مسؤولیت عمل نمایند و بخشی از حدود یکصد میلیارد دلار خسارات مالی ناشی از تجاوز عراق - که رسماً سازمان ملل برآورد کرده است - را پرداخت نمایند و مواضع آینده خود را در قبال ایران تصحیح کنند.

ب) عملکرد شورای همکاری در زمان اشغال کویت توسط عراق

اگرچه ماهیت تجاوز رژیم عراق به ایران و کویت یکسان بود و می‌بایست قاطعانه در مقابل عراق ایستادگی کرد، ولی عملکرد سران شورا در قبال دو تجاوز دوگانه و کاملاً متضاد بود. از یک سو، در جریان تجاوز به ایران و اشغال بخش‌هایی از آن در کنار عراق قرار گرفتند و به حمایت سیاسی و مالی از این رژیم تا پایان جنگ تحمیلی ادامه دادند، ولی در جریان اشغال کویت، تجاوز عراق را محکوم کرده و در یازدهمین اجلاس سران این شورا در دوحه اعلام کردند:

* منظور کشتار حجاج ایرانی به دست نیروهای امنیتی عربستان است.

شورای عالی عراق را مسؤول جبران زیان‌ها و خساراتی که در اثر این تجاوز به ادارات و سازمان‌های دولتی کویت وارد آمده، می‌داند. شورای عالی با کمال تأسف اوضاع امنیتی منطقه خلیج [فارس] را که در اثر اقدام رژیم عراق به اشغال کویت در لبه پرتگاه یک جنگ ویرانگر و عدم توجه رژیم عراق به نتایج این امر برای امت عرب و حتی کل جهان حاصل شده مورد توجه قرار داد و امیدوار است عراق به مصوبات مراجع قانونی عربی و بین‌المللی پاسخ مثبت دهد.

نکته جالب این که به رغم حمایت‌های گوناگون این کشورها از عراق در طول جنگ تحمیلی، سران شورای همکاری کوچک‌ترین اشاره به این امر نکرده و صرفاً بر «اهمیت تلاش جدی و واقع‌بینانه برای حل اختلافات باقی مانده میان ایران و کشورهای عضو شورای همکاری تأکید نمودند».

ج) موضع‌گیری مکرر شورای همکاری به نفع امارات در قضیه جزایر سه‌گانه

پس از اعاده حاکمیت ایران بر جزایر تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی که در تاریخ ۱۳۵۰/۹/۹ و پس از مذاکرات طولانی با انگلیس صورت گرفت، موضوع به درخواست چند رژیم افراطی عربی در شورای امنیت سازمان ملل (۱۳۵۰/۹/۱۸) مطرح شد ولیکن پس از توضیحات مفصل و مبسوط نمایندگان دولت‌های ایران و انگلیس و قانع شدن اعضای دایم و غیر دایم شورای امنیت سازمان ملل موضوع از سوی آن شورا عملاً خاتمه یافته تلقی و پرونده آن برای همیشه بسته شد. شایان ذکر است در زمان اعاده حاکمیت ایران بر جزایر خویش کشوری به نام امارات عربی متحده در صحنه بین‌المللی وجود خارجی نداشت و هفت شیخ‌نشینی که بعداً از مجموعه آنها «امارات عربی متحده» تشکیل شد همگی تحت الحمایه دولت انگلیس بودند. از این رو از منظر حقوق بین‌الملل دارای شخصیت حقوقی معادل دولت نبودند. دولت امارات عربی متحده در تاریخ ۱۳۵۰/۹/۱۱ از سوی جامعه بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفت.

به هر حال، از آذر ۱۳۵۰ تا اوایل ۱۳۷۱ هیچ مورد و شکایتی درباره حاکمیت و مالکیت ایران بر جزایر ایرانی وجود نداشت. در پی درخواست شیخ زاید، رئیس دولت امارات متحده، از آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری وقت ایران، در آوریل ۱۹۹۲ (اوایل اردیبهشت ۱۳۷۱) مبنی بر رسیدگی مقامات ایرانی به وضعیت ساکنان عرب زبان ابوموسی بلافاصله هیأت عالی‌رتبه ایرانی به ابوموسی اعزام شد تا موضوع را از نزدیک مورد بررسی قرار دهد. هنوز هیأت مذکور به تهران نرسیده بود که دولت امارات در اقدامی سؤال برانگیز و ابهام‌آمیز غایله‌ای را به راه انداخت و در راستای تبلیغ آن، به

طرح دامنه‌دار موضوع در محافل منطقه‌ای، عربی و بین‌المللی پرداخت. یکی از ابزارهای تبلیغاتی امارات در این راستا بهره‌برداری از تریبون شورای همکاری بود.

با نگاهی به بیانیه‌های پایانی شورای همکاری، موضوع جزایر ایرانی و ادعای ارضی امارات در مورد آنها از اواسط سال ۱۳۷۱ تاکنون به صورت بندی ثابت در سطح اجلاس سران و وزرای خارجه کشورهای عضو مطرح بوده و تاکنون بیش از چهل بار در بیانیه‌های پایانی وزرای خارجه و از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲ یازده بار در اجلاس‌های سران شورا مطرح شده و علیه جمهوری اسلامی ایران موضع‌گیری کرده‌اند. دلیل این تهاجم تبلیغاتی و حمایت از دولت امارات صرفاً به دلیل خواست امارات در ادعای ارضی علیه ایران بوده است؛ در حالی که با نگاهی به تحولات سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) مسأله و موضوع لاینحلی ایجاد نشده بود که ملت و دولت ایران مستلزم این همه تهدید و بدگویی از سوی دولت‌های عضو شورای همکاری باشد. همچنان که اشاره شد؛ مشکل از آن جا پیش آمد که برای دولت امارات در نحوه اجرای یادداشت تفاهم ۱۹۷۱ سوء تفاهمی حاصل شد و دولت ایران در پی درخواست شیخ زاید در آوریل ۱۹۹۲ حسن نیت خود را نشان داد ولیکن بعدها مشخص شد دولت امارات در ارسال این نامه صادق نبوده و به دنبال جنجال‌آفرینی تبلیغاتی علیه ایران بوده است. اولین باری که سران شورای همکاری درباره قضیه ابوموسی موضع‌گیری کردند در اجلاس سیزدهم در ابوظبی (۲۱ تا ۲۳ دسامبر ۱۹۹۲) بود. در بیانیه پایانی این اجلاس طی سه پاراگراف شدیدالحن از ادامه وضعیت موجود به عنوان «استمرار اشغال جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی» یاد کرده و ضمن «اظهار تأسف و نگرانی شدید»، گسترش روابط با ایران را به نوعی با حل این موضوع پیوند زده و تصریح کرد:

گسترش روابط میان شورای همکاری و ایران منوط به پای‌بندی جمهوری اسلامی ایران به اصول حسن همجواری، محترم شمردن حاکمیت و یکپارچگی خاک کشورهای منطقه و عدم مداخله در امور داخلی آنان است. لذا ادامه اشغالگری ایران در جزایر سه گانه و اقدامات انجام گرفته توسط جمهوری اسلامی ایران حکایت از مخدوش نمودن اصول فوق‌الذکر به شمار می‌رود.

در ادامه این بیانیه بر «همبستگی کامل و تأیید مطلق دولت امارات عربی متحده برای بازگشت حاکمیت این کشور بر جزایر سه گانه» تأکید شده است. سران شورا در اجلاس چهاردهم در ریاض (۲۰ تا ۲۲ دسامبر ۱۹۹۳) نیز در چهار بند، ضمن تأیید مواضع دولت امارات و مفاد بیانیه قبلی سران در ابوظبی، «همبستگی کامل و تأیید مطلق خود از امارات برای اعاده حاکمیتش بر جزایر سه گانه را مورد تأکید قرار داد». سران شورای همکاری در اجلاس پانزدهم در منامه (۱۹ تا ۲۱ دسامبر ۱۹۹۴)

در دو بند، ضمن استفاده از الفاظی چون «اشغال جزایر توسط ایران» و «اماراتی خواندن جزایر» ایرانی، علاوه بر مذاکرات دوجانبه، برای اولین بار «خواستار احاله حل این اختلاف به دادگاه بین‌المللی» شد. بدین ترتیب، سران شورا از اجلاس شانزدهم در مسقط (۴ تا ۶ دسامبر ۱۹۹۵) تقریباً با همان ادبیات تهدید و توهین به ملت و دولت ایران تا سال ۲۰۰۲ میلادی و بعضاً با ادبیات افراطی تری با موضوع جزایر سه‌گانه برخورد کردند، به طوری که خواسته‌های امارات بی‌کم و کاست از تریبون شورا خوانده و تصویب می‌شد. بعضاً نیز به منظور تحریک سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی علیه دولت ایران به مواردی چون «استقرار موشک‌های ایران در خلیج [فارس] که تأسیسات حیاتی کشورهای شورای همکاری را نشانه رفته است»^۳ اشاره می‌کردند. سران این شورا پس از انتخاب آقای سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری اسلامی ایران (در دوم خرداد ۱۳۷۶) و اظهارات مملو از حسن نیت ایشان در قبال کشورهای عربی به ویژه اعضای شورای همکاری، پاسخ مثبتی نداده و در بیانیه اجلاس هیجدهم در کویت (۲۰ تا ۲۲ دسامبر ۱۹۹۷) ضمن استفاده از همان عبارات و اصطلاحات از جزایر ایرانی به عنوان «جزایر اماراتی و اشغالی» یاد کرده و با «حمایت مطلق از دولت امارات»، این بار به تلاش دولت ایران مبنی بر «ایجاد تأسیساتی در جزایر با هدف تغییر در ترکیب جمعیتی» اشاره کردند. در عین حال به نقل از «شیخ زاید رئیس دولت امارات عربی متحده، از اظهارات آقای سید محمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران مبنی بر آمادگی دیدار با ایشان را مورد توجه قرار دادند». سران شورای همکاری در اجلاس نوزدهم در ابوظبی (۷ تا ۹ دسامبر ۱۹۹۸) مجدداً در ذیل عنوان «مسأله اشغال جزایر سه‌گانه متعلق به امارات و روابط با ایران» بر مواضع گذشته خود در حمایت از ادعای ارضی امارات تأکید کردند. این بار مقامات اماراتی با دعوت رسمی از کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل، برای حضور در این نشست از «دبیرکل سازمان ملل درخواست نمودند به تلاش‌های خود و نظارت بر مذاکرات ادامه داده و از ایران خواست تا به تلاش‌های کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل به نحوی که امنیت و ثبات منطقه را تحقق بخشد، پاسخ دهد».

به هر حال، حمایت از ادعای امارات در نشست‌های بعدی و همچنین تشکیل کمیته سه‌جانبه متشکل از وزرای خارجه عربستان، سلطنت عمان و قطر برای پی‌گیری مسأله و تماس با ایران با همان اهداف و استراتژی دولت امارات یعنی «اماراتی و اشغالی دانستن جزایر» ایرانی و «تلاش برای بازگرداندن حاکمیت امارات بر جزایر» ایرانی از جمله مواردی بود که سران شورا در ریاض، منامه و مسقط طی سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱ میلادی انجام دادند. طبیعی بود که جمهوری اسلامی ایران به لحاظ منطقی و حقوقی نمی‌توانست بر سر میز مذاکره‌ای بنشیند که نتیجه آن از قبل

مشخص بود؛ از این رو شورای همکاری به اشتباه خود پی برد و تقریباً یک سال بعد کمیته سه جانبه را منحل کرد. مفاد بیانیه پایانی بیست و سومین اجلاس سران شورای همکاری در دوحه (۲۱ و ۲۲ دسامبر ۲۰۰۲) مبین دیدگاه تعصب‌آلود اعضای شورا در مورد ادعای امارات است. در این بیانیه آمده است:

شورای عالی قضیه اشغال جزایر سه گانه تنب کوچک و تنب بزرگ و ابوموسی متعلق به دولت امارات عربی متحده توسط جمهوری اسلامی ایران را بررسی و بر مواضع گذشته خود تأکید می‌نماید و اظهار امیدواری می‌کند که تماس‌ها و ملاقات‌های اخیر میان مقامات ایرانی و اماراتی و گام‌های ملموس مثبت اخیر در روابط دوجانبه به نتیجه برسد. شورای عالی از حقوق کامل امارات در حاکمیت بر جزایر سه گانه و آب‌های منطقه‌ای، قلمرو هوایی، فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی جزایر سه گانه به اعتبار این که این موارد جزء لاینفک خاک دولت امارات می‌باشند، حمایت نموده و شورای وزیران (خارج) را مکلف به پی‌گیری اعاده حق امارات بر جزایر سه گانه می‌نماید.^۴

شایان ذکر است که در این اجلاس به دلیل تشدید دامنه اختلافات ناشی از انعکاس اخبار و تحولات درون کشوری دولت‌های عضو شورای همکاری در تلویزیون الجزیره قطر و همین طور سایر مسائل، واگرایی مشهودی بین اعضا صورت گرفت. پیش از آغاز به کار اجلاس اخباری دال بر تحریم قطر و احتمال اخراج این کشور از این شورا مطرح شده بود. در این اجلاس به جز شیخ حمد، امیر دولت قطر - که میزبان اجلاس بوده و لزوماً می‌بایست مشارکت کند - از سران پنج کشور دیگر تنها پادشاه عمان شرکت کرد و سه کشور عربستان، بحرین و کویت در سطح وزیر خارجه و از امارات شیخ مکتوم نخست وزیر این کشور، حضور داشتند.

خاتمه

فرضیه‌های مختلفی در شکل‌گیری شورای همکاری وجود دارد که مهم‌ترین موارد آن عبارتند: انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای آن، اشغال نظامی افغانستان و بیم از نزدیکی بیشتر شوروی به خلیج فارس و جنگ ایران و عراق. در میان فرضیه‌های موجود، انقلاب اسلامی و پیامدهای آن بیش از دیگر فرضیه‌ها در تشکیل و استمرار شورای همکاری نقش داشته است.

با وجود حمایت‌های آشکار و پنهان سیاسی و مالی دولت‌های عضو شورا از صدام حسین که عامل اصلی تجاوز رژیم عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران بود و نیز استمرار پشتیبانی سیاسی متعصبانه از دولت امارات در مورد جزایر سه گانه ایرانی، جمهوری اسلامی ایران هرگز در امور داخلی این کشورها مداخله نکرده است. با این حال، همواره متهم به دخالت در امور این کشورها و در مظان

اتهام بوده است. در مقابل، دولت جمهوری اسلامی ایران با ارائه دکترین امنیت دسته‌جمعی شامل کشورهای عضو شورای همکاری، عراق و ایران خواستار سیستم امنیتی بدون حضور نیروهای بیگانه در خلیج فارس است. سیاست ایران، همکاری مشترک با کشورهای منطقه است، به ویژه پس از روی کار آمدن آقای خاتمی تنش زدایی سیاست محوری ایشان قرار گرفت؛ اما اعضای شورا به طور دسته‌جمعی پاسخ مثبتی به آن ندادند.

به نظر می‌رسد تلاش برای نزدیک کردن دیدگاه‌های مشترک باید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مدّ نظر قرار گیرد و حتی الامکان در راستای سیاست تنش زدایی و اعتمادسازی تلاش مضاعفی انجام پذیرد. گرچه تلاش ایران برای رفع کدورت‌ها و سوءتفاهمات موجود انتظار بحقی است اما لازم است شش کشور عضو شورای همکاری نیز گام‌هایی عملی در این خصوص بردارند و به تصحیح عملکرد خود بپردازند تا این که طرفین (ایران و کشورهای عضو شورای همکاری) به درک متقابل برسند؛ برای نمونه می‌توان به اقدامات اخیر عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در انعقاد همکاری‌های امنیتی اشاره کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۹/۱۷.
۲. کردزمن و واگنر آبراهام، درس‌هایی از جنگ مدرن شماره ۱۱ (آمریکا: انتشارات وست ویوو مانسل، ۱۹۹۰).
۳. بیانیه پایانی اجلاس هفدهم سران شورای همکاری در دوحه (۷ تا ۹ دسامبر ۱۹۹۶) در پنچ بند یکی از تندترین بیانیه‌های صادره شورای همکاری علیه جمهوری اسلامی است.
۴. استخراج از سایت اینترنتی دبیرخانه شورای همکاری خلیج فارس به آدرس: <http://WWW.gcc-sg.org>.